

Investigating the 25-year Iran-China Cooperation Document in Promoting Iran's Regional Position

Amir Hadi¹, Seyyed Ali Tabatabaie Panah², Reza Jalali³, Ardashir Sanaie⁴

Received: 2025/04/19 Accepted: 2025/06/07	Research Article
--	------------------

Abstract

China is one of Iran's most important partners. In 2021, the 25-year Iran-China Cooperation Document was exchanged. The implementation of this document increases dependence. The main question of this research is what capacity does the comprehensive 25-year Iran-China Document have in promoting Iran's regional position? The main hypothesis of the research is that it seems that the needs of the Iranian and Chinese sides for each other and capability to promote Iran's regional position. Chinese investment in Iran will disrupt China's pursuit of a balancing policy, Iran's access to more resources, and the possibility of pursuing Iran's regional policies in West Asia. In Central Asia, by building a series of pipelines and railways, Iran has tried to position itself as the outlet of Central Asia to the Persian Gulf. Therefore, the implementation of the 25-year document will lead to the promotion of Iran's regional position. Iran's three comparative advantages, including providing sustainable energy, secure transit access to Central Asia and the Eastern Mediterranean, and creating security in the Islamic geography, are together China's three main needs to maintain the cycle of stability and economic growth in the coming decades; in contrast, providing a value-added chain of energy derivatives, completing transit infrastructure, and facilitating access to financial resources are considered China's advantages for the Iranian economy.

Keywords: Comprehensive document, Iran's regional position, Interdependence

Hadi, A., Tabatabaie Panah, S. A., Jalali, R., & Sanaie, A. (2025). Investigating the 25-year Iran-China Cooperation Document in Promoting Iran's Regional Position. *Journal of Political and International Research*, 17(62), pp.17-30.

¹ Department of International Relations , TC. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. tabatabaee.ali@gmail.com

² Department of International Relations , TC. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) amirhadi1361s@yahoo.com

³ Department of International Relations , TC. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. rezajalali13@yahoo.com

⁴ Department of International Relations , TC. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. ardeshir_sanaie@yahoo.com

بررسی ظرفیت سند جامع ۲۵ ساله ایران و چین در ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران

امیر هادی^۱، سیدعلی طباطبایی پناه^۲، رضا جلالی^۳، اردشیر سنایی^۴

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷
--------------	---

چکیده

چین از مهمترین شرکاء ایران است. در سال ۲۰۲۱ سند ۲۵ ساله همکاری ایران و چین مبادله گردید. اجرای این سند بر وابستگی می افزاید. سوال اصلی این پژوهش براین است که سند جامع ۲۵ ساله ایران و چین دارای چه ظرفیتی در ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران می باشد؟ فرضیه اصلی پژوهش بدین صورت است که بنظر می رسد نیازهای طرف ایرانی و چینی به یکدیگر و اجرای سند ۲۵ ساله ایران و چین ظرفیت و قابلیت لازم را برای ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران دارد. سرمایه گذاری چینی ها در ایران باعث برهم خوردن پیگیری سیاست توازن چین، دسترسی ایران به منابع بیشتر و امکان پیگیری سیاستهای منطقه ای ایران در غرب آسیا خواهد شد. در آسیای مرکزی با ساخت یک سری خطوط لوله و راه آهن، ایران سعی کرده خود را به عنوان خروجی آسیای مرکزی به خلیج فارس قرار دهد. بنابراین تحقق سند ۲۵ ساله منجر به ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران می گردد. سه مزیت نسبی ایران شامل تأمین انرژی پایدار، دسترسی امن ترانزیتی به آسیای میانه و شرق مدیترانه و ایجاد امنیت در جغرافیای اسلامی، توأمان، سه نیاز اصلی چین برای حفظ چرخه ثبات و رشد اقتصادی در دهه های آینده است؛ در مقابل، تأمین زنجیره ارزش افزوده مشتقات انرژی، تکمیل زیرساخت های ترانزیتی و تسهیل دسترسی به منابع مالی مزایای چین برای اقتصاد ایران محسوب می شود.

کلمات کلیدی: سند جامع، جایگاه منطقه ای ایران، وابستگی متقابل

هادی؛ امیر، طباطبایی پناه؛ سیدعلی، جلالی؛ رضا، سنایی؛ اردشیر (۱۴۰۴). بررسی ظرفیت سند جامع ۲۵ ساله ایران و چین در ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۲، صفحات ۳۰-۱۷

۱ گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. tabatabaee.ali@gmail.com

۲ گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) amirhadi1361s@yahoo.com

۳ گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران rezajalali13@yahoo.com

۴ گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ardeshir_sanaie@yahoo.com

مقدمه

کشور پهناور ایران در گستره منطقه غرب آسیا و آسیای مرکزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این مناطق هر یک دستخوش تحولات فراوان اقتصادی، سیاسی، امنیتی و بوده اند. ایران با توجه به تنوع مسائل باید راهبرد دقیق برای ارتقاء جایگاه منطقه ای خود لحاظ نماید. وجود اسرائیل و تعارضات با گروههای مورد حمایت ایران، مداخله آمریکا در منطقه غرب آسیا، جایگاه انرژی در غرب آسیا و آسیای مرکزی، پایگاههای اسرائیل و آمریکا در عراق، ارمنستان و از مهمترین علل اهمیت ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران است. چین در حال حاضر یکی از مهمترین شرکاء تجاری و اقتصادی ایران می باشد. در مارس ۲۰۲۱ پس از سالها گفت و گو، سند ۲۵ ساله همکاری ایران و چین مبادله گردید.

این سند تابع شرایط مختلفی است اما با عنایت به محتوا، تاثیرات قابل توجهی بر جایگاه منطقه ای ایران خواهد داشت. در عصر وابستگی متقابل مفاد این سند نیز بر وابستگی متقابل دو کشور می افزاید. مادرین مقاله به دنبال شناسایی ظرفیت سند جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران هستیم. سوال اصلی این پژوهش بر این است که سند جامع ۲۵ ساله ایران و چین دارای چه ظرفیتی در ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران می باشد؟ فرضیه اصلی پژوهش بدین صورت است که بنظر می رسد نیازهای طرف ایرانی و چینی به یکدیگر و اجرای سند ۲۵ ساله ایران و چین ظرفیت و قابلیت لازم را برای ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران دارد.

۱- پیشینه پژوهش

کتابها و مقالات معدودی در خصوص پژوهش حاضر منتشر شده است. محمدی و صالحی (۱۴۰۱) در مقاله «اقتصاد سیاسی راه ابریشم جدید چین و وابستگی متقابل ایران» معتقدند که استراتژی راه ابریشم جدید، مدلی از توسعه و سرمایه گذاری چین است که کشورها و سازمان های دولتی و غیردولتی را شامل می شود. این طرح در نظر دارد با تقویت اتصال بین قاره ای و ایجاد زیرساخت های لازم، همکاری منطقه ای و جهانی را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترش دهد. ایران به واسطه موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود می تواند، نقش مهمی ایفاء کند. سوال اصلی پژوهش این است که ابتکار راه ابریشم جدید چه تاثیری بر آینده روابط ایران و چین می گذارد؟ بنا بر فرضیه به نظر می رسد، با توجه به نیاز ایران به یک متحد سیاسی در سطح بین الملل در چارچوب سیاست نگاه به شرق روابط دو کشور به سمت وابستگی متقابل اقتصادی گسترش پیدا کرده و بر سطح روابط راهبردی طرفین تاثیر عمیقی بر جای می گذارد. ماهیت این تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده و منابع و اطلاعات مرتبط با موضوع به روش کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. همکاری متقابل ایران و چین در چارچوب نظریه وابستگی متقابل به بحث گذاشته می شود.

پیشینه سند همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین که در آن سابقه این سند به سفر رسمی آقای شی جین پینگ رئیس جمهوری خلق چین به تهران (بهمن ۱۳۹۴) برمی گردد که در جریان آن جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین با صدور بیانیه ای صحبت از ارتقاء روابط نمودند. البته باید اذعان نمود که همین شرایط ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، همچون شمشیری دو لبه برای آسیای مرکزی عمل کرده است، به طوری که با جلب توجه قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای به این شرایط، زمینه ساز شکل گیری بروز رقابت این قدرت ها و به نوبه خود بی ثباتی، بحران و اقدامات خشونت آمیز در منطقه شده است. در این میان سازمان همکاری شانگهای به عنوان ساختاری نوپا و در حال بالندگی، در طول دوره کوتاه فعالیتش، ضمن آنکه خود را در جایگاه سازمانی پویا در جهت تأمین همکاری های متنوع منطقه ای و تأمین خواسته های کشورهای منطقه مطرح ساخته، در عین حال به عنوان برجسته ترین همگرایی کشورهای مستقل با هدف برقراری همکاری های چندجانبه منطقه ای و ایجاد قطبی جدید در برابر راهبرد یکجانبه گرایی آمریکا مطرح گردیده است.

شفیعی، نوذر (۱۴۰۱) در مقاله علمی پژوهشی با عنوان "تحلیل توافق نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین" در فصلنامه علمی پژوهشی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی منتشر گردیده است. در مقاله تاکید شده است که از سال ۱۹۹۳ به بعد تعداد شرکای چین در قالب توافق نامه مشارکت روند صعودی داشته است. و این موضوع یعنی مشارکت در سال‌های اخیر به یک ابزار مهم در سیاست خارجی چین تبدیل شده است. در پژوهش تأکید شده است که جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها ثابت نیست و در شرایط زمانی مختلف تحت تأثیر مقتضیات منافع ملی تغییر می‌کند.

رحیمی، رؤوف و سازمند، بهاره در مقال علمی پژوهشی با عنوان "تحلیل توافقنامه استراتژیک ۲۵ ساله ایران و چین و چالش‌های اجرای آن" در فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی منتشر گردیده است. در مقاله در چارچوب نئورئالیسم تدافعی تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود، چه عواملی در انعقاد توافق نامه استراتژیک ۲۵ ساله ایران و چین مؤثر بوده و چالش‌های اجرای کامل قرار داد مذکور چیست؟ در پاسخ به سؤال پژوهش، این فرضیه مطرح شده است که بدعهدی غرب در عمل به تعهدات خود در چارچوب برجام، فشار حداکثری امریکا، نیاز اقتصاد ایران به جذب سرمایه و فناوری و تلاش برای برخورداری از حمایت چین در مجامع بین‌المللی از یک سو و از سوی دیگر چین ایران را یک دارایی بالقوه در غرب آسیا می‌داند. از این رو، ایران را یک متحد بالقوه می‌داند. اما اجرای این قرارداد به دلایل مختلف با چالش‌هایی مواجه می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که قانون توازن منطقه‌ای چین و تحریم‌های امریکا روابط با ایران را محدود می‌کند. علیرغم عوامل راهبردی در پشت شراکت چین و ایران، مشارکت رو به رشد چین در غرب آسیا طی دو دهه گذشته و روابط آن با مخالفان منطقه‌ای ایران به عنوان عوامل محدودکننده و چالش ساز در روابط دوجانبه عمل می‌کند.

۲- چارچوب نظری

نظریه وابستگی متقابل در راستای تحلیل و ارائه این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. این نظریه در اواخر دهه ۱۹۷۰ به دنبال تغییرهایی که در ویژگی‌های اصلی نظام بین الملل ایجاد شد شکل گرفت. در این زمان، نظریه پردازانی همچون ادوارد مورس، جوزف نای، رابرت کیون و ریچارد کوپر در پی طرح نظریه نوین و تبیین و فهم روابط بین الملل به شیوه‌ای متفاوت از نظریه‌های واقع گرایی برآمدند. (Talebi Arani and Others, 1970:150)

از دیدگاه این نظریه، مسائل اساسی جهان دیگر تنها مسائل نظامی، امنیتی و راهبردی نیستند، بلکه مسائل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری یافته اند (Keohane and Nye, ۱۹۷۳: ۱۶۰) وابستگی متقابل رابطه ای است که گسست آن هزینه‌های زیادی برای هر دو طرف به بار می‌آورد. به طوری که اگر یک نظام آسیب ببیند، دیگر نظامها نیز آسیب خواهند دید (Waltz, 1970:89)

کوپر نظریه پرداز دیگر بیشتر از زاویه اقتصادی به نظریه وابستگی متقابل می‌نگرد. از دید او نوعی حساسیت ملی فزاینده در قبال پیشرفت‌های اقتصاد بیرونی به وجود می‌آید که این حساسیت می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه باشد (Tollison and willett, 1973:260)

نظریه وابستگی متقابل هموارکننده روابط راهبردی بین کشورهاست که با بالا بردن هزینه اقدامات نظامی و گره زدن منافع اقتصادی کشورها زمینه روابط بلندمدت اقتصادی و سیاسی را فراهم می‌سازد. این نظریه همپوشانی اقتصاد و سیاست در روابط بین‌الملل را بیان می‌کند (Gill and David, ۱۹۸۸: ۷۷)

۲-۱- جایگاه منطقه ای ایران در پرتو روابط ایران و چین

برخی کشورهایی که در رقابت با ایران در برخی زمینه‌های اقتصادی و منطقه ای هستند، ممکن است با تحریم و محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران، تلاش کنند تا روابط ایران و چین را ضعیف نمایند. درمیان بازیگران مؤثر بر راهبردی شدن روابط ایران و چین باید به نقش تعیین کننده ایالات متحده، اسرائیل و عربستان اشاره کرد. بر همین مبنا، برخی معتقدند هرچند ایران و چین منافع مشترکی در راستای تامین امنیت ملی دارند، در نهایت روابط راهبردی آمریکا با چین حدود و ثغور همکاری‌های آنها را تعیین خواهد کرد (سجادپور و شریعتی، ۱۳۹۰: ۸۷).

عربستان سعودی به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه ای که در سالهای اخیر روابط پرتنش با ایران تجربه نموده است، ارتقاء سطح روابط دو جانبه با چین را در زمره اولویتهای سیاست خارجی خود قرار می دهد از این جهت، ارتقای سطح روابط عربستان با چین به مشارکت استراتژیک فراگیر، چالشهای عدیده ای را فراروی گسترش روابط استراتژیک ایران و چین قرار می دهد (Sudairi- Al ۲۰۱۲: ۴).

جنگ غزه و اقدامات و حمایت‌های آمریکا از اسرائیل و هزینه‌های این حمایت موجب شده آمریکا برگ برنده‌ای در اختیار چین و روسیه قرار دهد تا با سرعت بیشتری به سوی چشم اندازهای مدنظر خود در غرب آسیا حرکت کنند. در چنین شرایطی، راهبرد چین در منطقه غرب آسیا بر این است که با قدرت‌های منطقه‌ای تعامل و ارتباط پایدار داشته باشد. چین درصدد است از طریق ایران به موازنه‌سازی قدرت در منطقه بپردازد و توازن قدرت میان خود و آمریکا را به صورت غیرمستقیم و به وسیله ایران محقق سازد. به طور سنتی، تجارت تسلیحات یکی از محورهای دو جانبه چین و اسرائیل بوده است. از این جهت، وابستگی چین به فناوریهای نظامی اسرائیل اثرات محدودکننده ای بر ارتقای سطح روابط ایران و چین دارد. (Xian, 2016: 5).

۲-۲- غرب آسیا

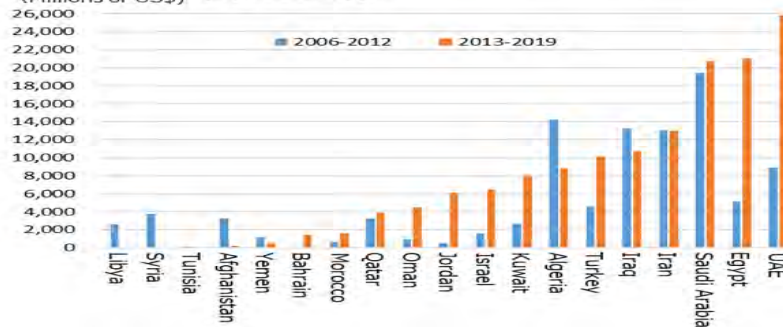
غرب آسیا به لحاظ جایگاه مهم منطقه ای مورد توجه قدرت‌های اول جهانی بوده است (نیاکویی و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۱۲). این منطقه به دلایلی از جمله انرژی، گذرگاههای آبی و استراتژیک، وجود رژیم صهیونیستی و امنیت آن برای قدرتهای بزرگ، بازار مصرف منطقه و ... از اهمیت زیادی در معادلات جهانی برخوردار می باشد (اخباری، ۱۳۸۳: ۶۹). منطقه خاورمیانه منطقه ای است که عوامل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در آن منطبق است. چرا که اولاً از خصوصیات بارز این مناطق وجود منابع طبیعی سرشار است و ثانیاً دارای تولید ناخالص هنگفت می باشد. بدین لحاظ است که منطقه خاورمیانه با در اختیار داشتن ۶۰٪ منابع تولید انرژی و ۷۴۲ میلیارد بشکه ذخایر تثبیت شده تا پایان سال ۲۰۰۷ (شانا، ۱۳۸۶: ۵/۲) نقش ژئوگنومیک و ویژه ای در قرن بیست و یکم ایفا خواهد کرد و از آنجا که در خاورمیانه عوامل ژئوپلیتیکی منطبق بر عوامل اقتصادی هستند، نقش محوری در تدوین استراتژی‌های جهانی دارد (رحیم پور، ۱۳۸۴: ۸/۱۲).

چین با پذیرش نظام چندقطبی در خاورمیانه، سیاست عدم تداخل با منافع بنیادین سایر قدرتهای بزرگ و مشارکت در طرحهای توسعه کشورهای خاورمیانه را دنبال میکند تا ((توسعه صلح آمیز اقتصادی)) را جایگزین ((صلح دموکراتیک)) غربی ها نماید که خود نمایانگر گسستی گفتمانی از واقع گرایی مبتنی بر سلطه نظامی- اقتصادی بر جهان است. یک مقام CIA صراحتاً گفته است که چین خواهان ((جایگزین شدن آمریکا به عنوان ابرقدرت رهبری کننده جهانی)) است. ایالات متحده رسماً چین را قدرتی تجدیدنظرطلب، رقیب و چالشگر اصلی خود عنوان کرده است. (Tarabay 2018, online).

نظرات کارشناسان منطقه ای چین به وضوح نشان میدهد که نظریه (موازنه قدرت) به گفتمان سیاست خارجی چین وارد شده و چینی ها به وضوح از پیامدهای ژئواستراتژیک حضور فزاینده منطقه ای خود و تقابل با گفتمان آمریکایی نظم نوین جهانی آگاه بوده و در راستای تعامل نرم با آن گام برمی دارند. (Alterman, 2019: 80).

علیرغم عوامل راهبردی پایدار در پشت شراکت چین و ایران، مشارکت روبه رشد چین در غرب آسیا طی دو دهه گذشته بخصوص با مخالفان منطقه ای ایران، مانند عربستان، اسرائیل و امارات بعنوان عوامل محدودکننده مهم در روابط دوجانبه عمل می کند. (Alterman, 2013:1) اگرچه پکن اعلام کرده است که قصد دارد روابط اقتصادی با ایران را حفظ یا حتی تعمیق کند؛ اما تمایل این کشور برای انجام این کار به دلیل تحریم های بین المللی محقق نمی شود. نرخ سرمایه گذاری چین در ایران گویای همه چیز است. استراتژی چین در غرب آسیا از چین می خواهد که در یک بازی ژئوپلیتیک دقیق شرکت کند و تلاش کند تا تعامل خود را با استراتژی دیرینه با شرکایی مانند ایران متوازن کند. (Ford and Hill, 2019:4-7)

Figure 4. Chinese Investment in the Middle East (by country)
(Millions of US\$)



Source: Produced by MGSSI based on the China Global Investment Tracker

نمودار حجم سرمایه گذاری خارجی چین در خاورمیانه ۲۰۱۹-۲۰۱۳

در بررسی تاثیر سند ۲۵ ساله باید شرایط کل منطقه را در نظر گرفت زیرا وابستگی متقابل اقتصادی میان ایران-چین می بایست در حالت تعادل با وابستگی متقابل اقتصادی چین با قدرت های رقیب منطقه ای ایران نیز باشد. (راه نجات، تقی پور جاوی، ۱۴۰۰: ۱۵۵-۱۵۳).

وساطت چین در بهبود روابط ایران و عربستان و سایر کشورهای منطقه را می توان هم در چارچوب سند جامع ۲۵ ساله همکاری ایران و چین ارزیابی نمود و هم در قالب گسترش فعالیتهای بین المللی چین در مناطق مهم دنیا بصورت مسالمت آمیز ارزیابی نمود. اگرچه چین در مسائل غزه، لبنان، سوریه و تنشهای ایران و آمریکا نقش فعال بین المللی را ایفا ننمود.

۲-۳- آسیای مرکزی

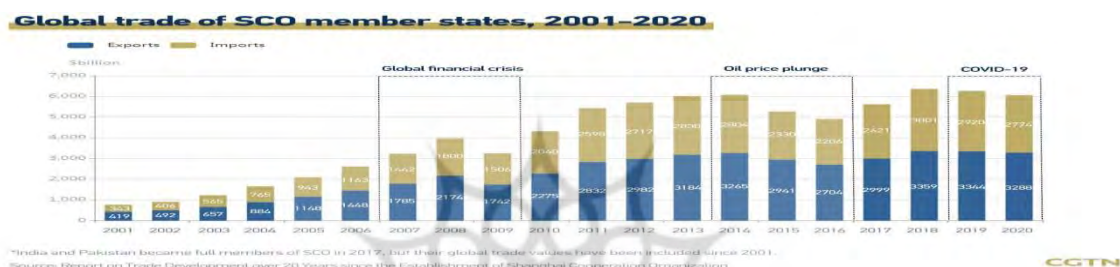
منطقه آسیای مرکزی برای جمهوری اسلامی اهمیت فراوانی دارد. برخلاف برخی تلاشهای اولیه در نسبت دادن عامل ((تهدید اسلامی)) به ایران پس از استقلال جمهوری های آسیای مرکزی، سیاست خارجی ایران در این عرصه همواره کمتر یا بیشتر تحت تأثیر عمل گرایی قرار داشته است. هرچند برخی ناهماهنگی ها در میان دستگاههای اجرایی زمینه را برای تقویت نگرش یاد شده فراهم می آورد، ولی نقش موثر و سازنده ایران در پایان دادن به جنگ داخلی تاجیکستان نشان داد (موسوی، ۱۳۸۱: ۷-۴۰)

شوک های کلان اقتصادی ناشی از فروپاشی شوروی، حرکت سریع از نظام برنامه ریزی به شدت متمرکز به سوی نظام دموکراتیک تر مبتنی بر اقتصاد بازار و تغییر ناگهانی در موقعیت ژئواستراتژیک و قرار گرفتن میان دو قدرت هسته ای بر مشکلات پیچیده داخلی کشورهای منطقه افزود. جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی آمریکا به پایین ترین سطح تنزل یافت. این بی توجهی آمریکا موجب گرایش آسیای مرکزی به سوی مسکو و پکن شد. اما حوادث ۱۱ سپتامبر و به دنبال آن افغانستان ناگهان بر اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی در پهنه جهانی افزود. این کشورها که دیگر مورد کم توجهی آمریکا قرار نمی گرفتند، الزامی به حرکت در گستره نفوذ چین نمی دیدند. (ملکی، ۱۳۸۵: صص ۳۰-۱؛ پیام، ۱۳۸۷)

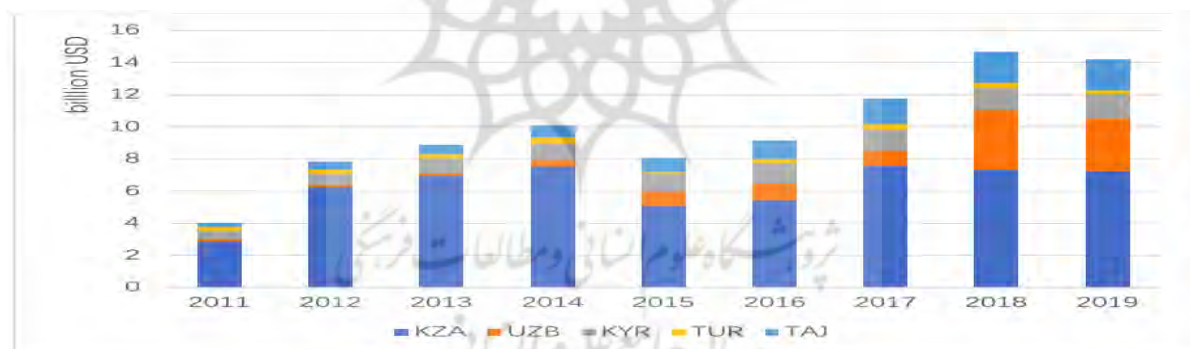
بر این اساس در تابستان ۲۰۰۱ پیمان شانگهای با هدایت ولادیمیر پوتین و جیانگ زمین، رؤسای جمهور وقت روسیه و چین، ازبکستان را به عضویت پذیرفت و نام پیمان به شکل رسمی به ((سازمان همکاری شانگهای)) تغییر یافت (Germanovich, 2008: 18-22)-

یکی از ظرفیت های بین المللی سند ۲۵ ساله میان ایران و چین حضور فعال ایران در سازمان شانگهای است. در ماده ۹ سند اشاره گردیده است که چین از عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای به صورت فعالانه حمایت می نماید (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹: ۱۶). ایران در بیست و یکمین نشست سران کشورهای عضو شانگهای در ۲۶ شهریور ۱۴۰۰ با موافقت همه اعضا، نهمین عضو دائم این سازمان شد.

از این رو تبادل سند ۲۵ ساله با عضویت ایران در سازمان شانگهای یک بازی برد- برد است. در کنار نفعی که ایران از این عضویت خواهد برد با پتانسیل عظیم ژئوپلیتیک و ژئو اکونومیک خود می تواند در افزایش جایگاه منطقه ای ایران تأثیر قابل توجهی داشته باشد. این سازمان برای ایران فرصت ساز خواهد بود تا صادرات خود در زمینه های مختلف از جمله انرژی (نفت، گاز و برق) را به کشورهای عضو پیمان گسترش داده و پیوندهای اقتصادی خود را مستحکم تر نماید. (Umud, 2022).



حجم تجارت جهانی کشورهای عضو شانگهای در سالهای ۲۰۰۱-۲۰۲۰



سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در کشورهای آسیای مرکزی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹

اما در حوزه انرژی و ترانزیت نیز زمینه های همکاری با ایران در چارچوب سند جامع ۲۵ ساله وجود دارد. ایران با ساخت یک سری خطوط لوله و راه آهن - مانند کریدور قزاقستان - ترکمنستان - ایران - سعی کرده خود را به عنوان خروجی آسیای مرکزی به خلیج فارس قرار دهد. با دستیابی به خلیج فارس، کشورهای آسیای مرکزی قادر خواهند بود بدون نیاز به عبور از روسیه، گاز طبیعی مایع را به اروپا و آسیا برسانند. در مقابل هم، ایران هزینه های ترانزیت را دریافت می کند، انرژی خود را کاهش می دهد و همچنین نفوذ و اهرم بیشتری در آسیای مرکزی به دست خواهد آورد. بنابراین تحقق سند ۲۵ ساله از حوزه های مختلف منجر به ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران در آسیای مرکزی می گردد. (Keck, 2013: 22).

۳- سند جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین و نقش آن بر موقعیت ایران

شروع رسمی سند ۲۵ ساله میان ایران و چین در سفر آقای امیر عبداللہیان در سال ۱۴۰۰ اعلام شد. همان زمان نیز برخی رسانه‌ها اطلاعاتی از این سند منتشر کردند؛ از حجم سرمایه‌گذاری و حضور چند هزار نیروی نظامی و... که به واسطه این سند نهایی می‌شود و مشتمل بر همکاری در حوزه های مختلف می‌شود.

۳-۱- همکاری در زمینه‌های اقتصادی

در موضوع اقتصادی سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین به نوبه خود یک نقشه راه کامل برای توسعه همه جانبه مناسبات دو کشور است؛ به ویژه اینکه بر بعد مهم اقتصادی که محور اصلی این سند است بیش از همه تاکید شده است. (Cohen, 2021).

مطابق مفاد سند منتشر شده زمینه های همکاری مالی، اقتصادی و تجاری عبارتند از:

توسعه همکاری های بانکی، مالی و بیمه ای، همکاری در زمینه کشاورزی، سلامت، همکاری در زمینه گردشگری و میراث فرهنگی، ایجاد مکانیزم تسویه مالی - تجاری دوجانبه به منظور گسترش و تقویت روابط تجاری، گفتگو و آغاز برنامه های تامین اعتبار مرتبط برای حذف موانع اجرای همکاریهای بین دو کشور. سایر زمینه‌های همکاری در بند چهارم شامل موارد ذیل می باشد:

- همکاری‌های بانکی با استاندارد بالا، استفاده از ارزهای ملی، با تصریح بر مقابله با پولشویی، تامین مالی تروریسم و جنایت های سازمان یافته تاکید شده است.
 - همکاری در حوزه‌های نفت، صنعت، معدن و حوزه‌های مرتبط با انرژی مبتنی بر دغدغه‌های توسعه‌ملی پایدار و زیست محیطی در سند به عنوان ظرفیت‌های بالقوه مورد تاکید قرار دارد.
 - در این سند با هدف بهره‌برداری از مزایای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک، بر مشارکت موثر ایران در ابتکار کمربند-جاده در زمینه‌های زیرساختی، ارتباطی (ریلی، جاده‌ای، بندری و هوایی) تاکید شده است.
 - تسهیل همکاریهای بخش خصوصی از طریق رفع موانع همکاری مورد توجه بوده است.
 - تسهیل همکاریهای مالی - بانکی، گمرکی، مقررات زدایی، و همکاری در توسعه مناطق ویژه و آزاد تجاری و صنعتی از جمله در سواحل مکران و تقویت همکاریهای غیرنفتی با تمرکز بر حوزه کشاورزی و دانش بنیان
 - تسهیل همکاریها در زمینه سرمایه‌گذاری و تامین مالی پروژه‌ها (قنبری کلیبی، ۱۴۰۰: ۱۶).
- ارزش این سند راهبردی سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران طی ۲۵ سال در ازای عرضه نفت ایران و همچنین همکاری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی حدود مبلغ ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است (Cohen, 2021).

۳-۲- همکاری در حوزه فناوری

قرارداد شامل همکاری در زمینه فناوری‌های پیشرفته، ارتباطات، فضایی، هوافضا و همچنین توسعه فنی و تکنولوژی در زمینه‌های دیگر مانند صنایع دفاعی است. برخی از مهم‌ترین عناوین مربوط به اقداماتی که قرار است بین دو کشور ایران و چین صورت گیرد بدین شرح هستند: ایجاد مراکز صنعتی و فناوری محور، انتقال فناوری‌های خودروبی، توسعه فناوری در بندر دریایی، ساخت کارخانجات تجهیزات و فناوری‌های جدید حوزه آب و برق، توسعه تولید انرژی پاک، همکاری رسانه‌های آنلاین دو کشور، ایجاد پارک فناوری مشترک، همکاری در زمینه فناوری و ارتباطات، سرمایه‌گذاری مشترک در ساخت شهر هوشمند، همکاری‌های سلامت محور، گسترش همکاری نهاد‌های فناوری و علمی، ایجاد صندوق مالی مشترک در حوزه علمی و فناوری، انتقال فناوری‌های کشاورزی و همکاری فناورانه در بخش نظامی.

۳-۳- همکاری در حوزه نفت و گاز

قرارداد شامل توسعه همکاری در زمینه‌های اکتشاف، تولید، حمل و نقل و فروش نفت و گاز است.

۳-۴- همکاری در حوزه فرهنگی و آموزشی

قرارداد شامل توسعه همکاری در زمینه‌های فرهنگی، آموزش و پژوهش است و همچنین تبادل دانشجویان، استادان و فرهنگیان. در سند مذکور بر افزایش شناخت متقابل از طریق ارتقاء تبادلات مردمی (گردشگری)، رسانه ای، سازمانهای مردم نهاد، انجمنهای دوستی و همکاری دانشگاهی تاکید شده است - طرفین در این رابطه سرمایه گذاری و کمک به تکمیل زیرساختهای لازم برای ارتقاء همکاریهای فرهنگی در حوزه های مختلف از جمله صنعت گردشگری را مدنظر قرار داده اند.

۳-۵- همکاری در حوزه سیاسی و امنیتی

بر اساس ضمیمه ۳ ماده ۸ سند منتشره ، مهمترین اهداف نظامی که درسند همکاری فیمابین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین تامین می‌شود بصورت کلی عبارتند از:

- حمایت از برگزاری منظم نشست کمیسیون مشترک همکاری‌های صنایع دفاع ملی و گفتگوی‌های همکاری‌های تجاری و صنعتی نظامی

گسترش همکاری‌های آموزشی و پژوهشی میان سازمان‌های نظامی، دفاعی و امنیتی و تبادل تجربیات از جمله در زمینه نبرد نامتقارن، مقابله با تروریسم و...

- اجرای رزمایش‌های مشترک دریایی ، زمینی و هوایی بصورت برنامه ای
- گسترش همکاری در حوزه فناوری و صنعت دفاعی با تاکید بر اجرای پروژه‌های سرمایه گذاری، طراحی، توسعه و تولید مشترک و تامین تجهیزات (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹: ۱۶).

اهداف سیاسی سند همکاری مطابق گزارش وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آمده است که:
- تعریف ساز و کارهای لازم برای تقویت روابط جامع راهبردی دو کشور
- تقویت همکاری‌ها در مجامع، سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی
- طرفین ضمن ارتقای تبادلات، رایزنی و همکاریهای نزدیک خود در موضوعات مورد نظر و در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش می‌دهند.

با توجه به اطلاعات فوق مسئله اصلی این است که چین رویکرد بلند مدتی در قبال ایران برای خود تدارک دیده است، در حالی که ایران نیاز دارد چین در کوتاه مدت و میان مدت نیز برای مقابله با تحریم‌ها، به عنوان متحدی راهبردی به آن بنگرد. از این رو ایران در دوران جدید، بایستی چین را ترغیب کند تا نسبت به گسترش حجم و ابعاد سرمایه گذاری خود در ایران برنامه ریزی کند. (هلمان، ۱۳۹۹: ۳۰۶).

۴- وابستگی متقابل و تاثیر سند ۲۵ ساله بر روابط ایران و چین

طرح‌های ژئوپولیتیک چین در شرایط حاضر بر این مبنا است که ایالات متحده و اروپا در حال از دست دادن جایگاه خود هستند و چین تنها کشوری است که می‌تواند این خلا را پر نماید. رقابت میان چین و ایالات متحده برای ایجاد توازن مجدد قدرت و سیطره بر منطقه آسیا به سرعت در حال آشکار شدن است و این امر احتمالا در سال‌های آتی تشدید خواهد شد به گونه ای که در تحولات اخیر غرب آسیا کاملاً مشهود است.

اگر رشد سریع چین در اقتصاد جهانی و عرصه بین‌المللی تداوم داشته باشد، بی‌تردید باعث افزایش تنش‌ها و مناقشات شدیدی خواهد شد که مستلزم مدیریت پیشگیرانه است. اختلافات تجاری، درگیری‌های دیپلماتیک و در موارد شدیدتر، درگیری‌های نظامی محدود نباید دور از انتظار باشند (هلان، ۱۳۹۹: ۶۱۶).

چین یکی از بازیگرانی است که ایران به همکاری امنیتی با آن چشم دوخته است. البته تاکید می‌گردد طبیعتاً دیدگاه ایران به مباحث امنیتی بین‌المللی مانند سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و... با کشور چین متفاوت است. (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۵: ۱۶۹)

بی‌شک این دو کشور در سایه تصویب و انعقاد یک قرارداد طولانی مدت و استراتژیک امتیازات بسیار زیادی را متوجه یکدیگر می‌کنند که برخورداری از این مواهب منجر به وابستگی متقابل خواهد شد. با در نظر گرفتن وجود منافع متقابل طرفین برای یکدیگر به عنوان پیش فرض نظریه وابستگی متقابل از یکسو و وجود منافع متقابل دو کشور ایران و چین در زمینه انرژی، ترانزیت و امنیت در قالب قرارداد ۲۵ ساله می‌توان به شکل گیری روابط راهبردی بین ایران و چین در بلندمدت امیدوار بود. درواقع در ذیل نظریه وابستگی متقابل ما به امکان ایجاد روابط راهبردی دوجانبه میان ایران و چین رهنمون می‌سازد.

از این منظر مشروعیت توافق ۲۵ ساله و بلند مدت با چین برای ایران امری محرز و در ادامه تحلیل سیاست جهانی و منطقه ای چین برای گسترش روابط با کشورهای مختلف دنیا در قالب قراردادهای بلندمدت جهت بسط وابستگی متقابل از یکسو و تلاش کشور های منطقه ای برای عقد قراردادهای مشابه ایران با چین در طی سال های گذشته و اخیر منطبق با شرایط و اقتضائات داخلی و منطقه ای این کشورها از درستی اتخاذ چنین راهبردی برای گسترش همکاری های چندجانبه با چین توسط ایران می‌باشد. مضاف بر این جمهوری خلق چین که با رشد شتابنده خود در حوزه های مختلف صنعتی در حال حاضر عنوان دومین مصرف کننده بزرگ انرژی در دنیا و بزرگترین واردکننده نفت خام در جهان را یدک می‌کشد، برای حفظ رشد شتابنده اقتصادی خود، نیازمند افزایش میزان نفت وارداتی است. در چنین فضایی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بزرگترین دارندگان منابع نفت و گاز جهان، نقش مهمی در تامین انرژی کشور چین در عرصه جهانی می‌تواند ایفا کند که این امر نه تنها موجب افزایش وابستگی متقابل اقتصاد ایران و چین به یکدیگر می‌شود بلکه هزینه های تهدید را علیه ایران را برای کشورهای اعمال کننده آن به شدت بالا می‌برد و این امر در راستای منافع ملی ایران تعریف می‌گردد.

با نگاهی دوجانبه از منظر ایران و چین و استفاده از الگوی نظری «وابستگی متقابل»، چارچوب راهبردی روابط بلندمدت بین دو کشور ترسیم شده است. بررسی تحلیلی - توصیفی، بسترهای همکاری دو کشور در سه بعد انرژی، ترانزیت و امنیت را به منظور شکل دهی چارچوب راهبردی بین طرفین بیان می‌کند. از این رو شناسایی مؤلفه‌های کلیدی شکل دهنده روابط راهبردی ایران و چین مسئله اصلی است. فرضیه منبایی، وجود متغیرهای ترانزیت، انرژی و امنیت بسترهای همکاری دو کشور است. سه مزیت نسبی ایران شامل تأمین انرژی پایدار، دسترسی امن ترانزیتی به آسیای میانه و شرق مدیترانه و ایجاد امنیت در جغرافیای اسلامی، توأمان، سه نیاز اصلی چین برای حفظ چرخه ثبات و رشد اقتصادی در دهه‌های آینده است؛ در مقابل، تأمین زنجیره ارزش افزوده مشتقات انرژی، تکمیل زیرساخت‌های ترانزیتی و تسهیل دسترسی به منابع مالی مزایای چین برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود.

چین در مقطع فعلی، تنها گزینه ممکن برای ایران جهت نزدیک شدن به آن برای مقاومت و ایستادگی در مقابل فشارهای امریکا و متحدانش محسوب می‌شود. و زمان نشان داده است که چینی‌ها، به رغم انتقادهای شدید بین‌المللی، همچنان از ایران پشتیبانی کرده اند. و هنوز می‌توان به نقش چین در شورای امنیت جهت وتو هر گونه قطعنامه احتمالی شورای امنیت علیه ایران در آینده، امیدوار بود. از این منظر اگر باب گفتگو و مذاکره میان ایران و غرب به هر علتی به طور کامل بسته شود، آنگاه مناسبات نزدیک چین با ایران می‌تواند به نفع غرب تمام شده و این کشور می‌تواند نقش میانجی را ایفا نماید

مشروعیت توافق ۲۵ ساله و بلند مدت با چین برای ایران امری محرز و در ادامه تحلیل سیاست جهانی و منطقه ای چین برای گسترش روابط با کشورهای مختلف دنیا در قالب قراردادهای بلندمدت جهت بسط وابستگی متقابل از یکسو و تلاش کشور

های منطقه ای برای عقد قراردادهای مشابه ایران با چین در طی سال های گذشته و اخیر منطبق با شرایط و اقتضائات داخلی و منطقه ای این کشورها از درستی اتخاذ چنین راهبردی برای گسترش همکاری های چندجانبه با چین توسط ایران می باشد. مضاف بر این جمهوری خلق چین که با رشد شتابنده خود در حوزه های مختلف صنعتی در حال حاضر عنوان دومین مصرف کننده بزرگ انرژی در دنیا و بزرگترین واردکننده نفت خام در جهان را یدک می کشد، برای حفظ رشد شتابنده اقتصادی خود، نیازمند افزایش میزان نفت وارداتی است. رشد اقتصادی فزاینده چین در سالهای اخیر، نیاز روزافزون این کشور به انرژی را افزایش داده و امنیت در دستیابی به انرژی را به عنوان پاشنه آشیل این کشور مطرح ساخته است. در چنین فضایی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بزرگترین دارندگان منابع نفت و گاز جهان، نقش مهمی در تامین انرژی کشور چین در عرصه جهانی می تواند ایفا کند که این امر نه تنها موجب افزایش وابستگی متقابل اقتصاد ایران و چین به یکدیگر می شود بلکه هزینه های تهدید زا علیه ایران را برای کشورهای اعمال کننده آن به شدت بالا می برد و این امر در راستای منافع ملی ایران تعریف می گردد.

در مجموع با توجه به سیاست خارجی اقتصاد محور چین بر پایه تعمیق روابط اقتصادی و تبادلات بازرگانی با کلیه کشورهای جهان و پرهیز از ورود به تنش های سیاسی می توان گفت که این کشور ضمن تاکید بر حفظ منافع سیاسی خود در ایران، با مدنظر قرار دادن منافع و سیاست های راهبردی قدرت های جهانی دیگر همچون ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه و حوزه خلیج فارس به صورت خاص، ضمن لحاظ نمودن منافع ملی خود و شرکت های تجاری در مقابله با تحریم های یکسویه غرب، همواره در روابط خود با ایران با احتیاط عمل نموده است به گونه ای که تلاش نموده در حوزه هایی چون اقتصادی و ژئواکونومیکي همچون راهبرد یک کمربند-یک جاده عمل کند. از این رو، ایران نه از بعد اقتصادی و توسعه ای، بلکه بیشتر از بعد امنیتی و دفاعی جزئی از جنگ نامتقارن چین و آمریکا است و چرخ طیار و توازن بخش تایوان نیز محسوب می شود. بدین معنی که چین همچنان ایران را جزئی از دیواره دفاعی غربی خود علیه توسعه ناتو به شرق و هجوم و هژمون آمریکا تصور می کند. در چنین فضایی به نظر می رسد برای بالا بردن ظرفیت های تجاری - اقتصادی کشور با دیگر کشورهای جهان از جمله چین، سند ۲۵ ساله بین ایران و چین ظرفیت افزایش مناسبات ایران و چین در سطح منطقه ای را دارا می باشد و این امر به سهم خود می تواند در راستای منافع ملی کشور در کنار استفاده از دیگر ظرفیت های قدرت های جهانی برای توافقات مشابه باشد از این رو به نظر می رسد که حصول اهداف این توافق، منوط به ملاحظات بین المللی و منطقه ای همچون رفع تنش های سیاسی ایران و غرب بویژه در حوزه هایی همچون رفع موانع تحریمی، مالی و بانکی و اتخاذ یک سیاست متوازن در حوزه مناسبات اقتصادی - سیاسی در سطح منطقه ای و جهانی می باشد.

چین می تواند بیش از گذشته در اوضاع نابسامان اقتصادی ایران در صورت رعایت توازن، برابری در سطوح همکاری و وابستگی متقابل، یک وزنه اثرگذار بهبود بخش باشد.

۴-۱- اهداف ایران در قالب برنامه همکاری های جامع ۲۵ ساله

با در نظر داشتن ظرفیتهای عظیم همکاری و ایجاد وابستگی متقابل، ایران در چارچوب این سند، برای دستیابی به اهداف ذیل، تلاش خواهد نمود:

- با تلاش مشترک دو طرف، چین به عنوان یک واردکننده ی ثابت نفت خام ایران خواهد بود و این مهم منجر به کاهش فشارهای تحریم ایالات متحده نسبت به ایران و افزایش دسترسی ایران به منابع خواهد شد.

ارتقاء جایگاه جمهوری اسلامی ایران در ابتکار پهنه-راه از طریق توسعه ی حمل و نقل چندوجهی اعم از شبکه های ریلی، بزرگراهی-جاده ای، دریایی و هوایی و نیازهای ملی و منطقه ای

ارتقاء همکاریهای بانکی، تأمین مالی و بیمه ای،

توسعه ی سرمایه گذاری در حوزه های مختلف اقتصادی اعم از نفت، پتروشیمی، صنایع سنگین، کشاورزی، سلامت، برق، شبکه های هوشمند و دانش بنیان و صنایع نوین مانند ارتباطات، خدمات، و گردشگری،

- توسعه ی همکاریها در زمینه ی انتقال و توسعه ی فنآوریهای نوین، اعم از انرژی های پاک، انرژی تجدیدپذیر، احداث نیروگاه، فنآوریهای ارتباطی و اطلاعاتی، بخش سلامت، کشاورزی و غیره،

عملیاتی نمودن ظرفیتهای دو کشور در جهت اجرای پروژه های کلان صنعتی و معدنی،

- توسعه ی ظرفیتهای تجاری بازرگانی و بهبود ظرفیت سازی در همکاریهای گمرکی،

توسعه ی همکاریها در زمینه ی تولیدات کشاورزی، دارویی و بهداشتی و صنایع نوآوری،

- توسعه ی همکاری های گردشگری ازجمله تشویق سرمایه گذاری و توسعه ی منابع و زیرساختهای گردشگری،

- گسترش دانش و به اشتراک گذاشتن فنآوریهای نوین به منظور حفظ محیط زیست در عرصه های مختل .

تقویت بستر سازی جهت همکاری تشکلهای فنی و مهندسی در بخشهای مختلف اقتصادی و تسهیل صدور خدمات فنی و مهندسی،

مشارکت در زمینه های زیرساختی دریایی و بندری اعم از ساخت سازه های دریایی، شناورها، توسعه ی بندرها و تجهیزات و تأسیسات مرتبط با آن،

همکاری در پروژه های انرژی ایران،

- همکاری در احداث شهرهای جدید در ایران،

- توسعه و تقویت همکاریهای علمی، فنی، حقوقی و اقتصادی در حوزه های مختلف فضای مجازی و تجهیزات کاربر نهایی،

تشویق سرمایه گذاری در نیروگاههای تولید برق،

توسعه ی همکاریهای نظامی، دفاعی و امنیتی در حوزه های آموزشی-پژوهشی، صنایع دفاعی و تعامل در موضوعات راهبردی

- تعمیق مشارکت جامع راهبردی در حوزه ی همکاریهای سیاسی دوجانبه، منطقه ای، و بین المللی .

- کثرت گرایی عمیق: توزیع مجدد قدرت نرم جهانی ترکیبی پراکنده اما مهیب از قدرتهای بزرگ و متوسط، قدرت نرم جهانی، هژمونی ایالات متحده را در چندین منطقه از جمله خاورمیانه به چالش میکشد. قدرتهای منطقه ای نوظهور در سراسر جهان، مانند ایران و ترکیه مدعی قدرت تازه ای هستند و پاسخگوتر به آن هستند. تبدیل قدرت نرم بین المللی جهانی به پویایی تنش بین ایالات متحده و چین. این انتقال عمیق و پایدار قدرت مستلزم بازنگری های جدی در سیستم ائتلافی با محوریت ایالات متحده در نقاب حساس استراتژیک مانند خاورمیانه، جنوب آسیا و آسیای جنوب شرقی و غیره است (عباس، ۲۰۲۳: ۸۵). ظهور چین به عنوان یک غول سیاسی، نظامی و اقتصادی در حال تضعیف قدرت و نفوذ غرب است و غرب دیگر به عنوان محرک اصلی در تعیین اتحادها عمل نمی کند، زیرا وارد آنچه بوری بوزان "نظم بین المللی پساغربی" می نامد. بوزان، در توضیح نظم نرم جهانی در حال ظهور و کثرت گرایی عمیق مشخصه آن، می افزاید که جامعه بین المللی نرم جهانی «اکنون به وضوح از شکل دیرینه خود که یک ساختار هسته-پیرامونی تحت سلطه غرب، به رهبری ایالات متحده و با هسته نسبتاً کوچکی است دور می شود. و یک حاشیه بزرگ این جنبش به سمت بازتاب یک گروه متنوع فرهنگی و سیاسی از قدرتهای بزرگ و منطقه ای با هسته در حال گسترش و حاشیه در حال کوچک شدن حرکت میکند. امکان پذیر و کمتر مشروع است. تشدید درگیری و رقابت بین قدرتهای بزرگ در مناطقی که خارج از مجاورتهای جغرافیایی آنها قرار دارند، اثر محتمل این تجدید ساختار نظم جهانی است، همانطور که در حال حاضر در آسیای شرقی، آسیای جنوب شرقی، اوکراین و مرزهای شرقی اتحادیه اروپا انجام میشود (فلارتی، ۲۰۲۳: ۲۰).

۵- نتیجه

کشور پهناور ایران در گستره منطقه غرب آسیا و آسیای مرکزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ایران با توجه به تنوع مسائل باید راهبرد دقیقی برای ارتقاء جایگاه منطقه ای خود لحاظ نماید. وجود اسرائیل و تعارضات با گروههای مورد حمایت ایران،

مداخله آمریکا در منطقه غرب آسیا، جایگاه انرژی در غرب آسیا و آسیای مرکزی، پایگاههای اسرائیل و آمریکا در عراق، ارمنستان و.... از مهمترین علل اهمیت ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران است.

برخی کشورهایی که در رقابت با ایران در برخی زمینههای اقتصادی و منطقه ای هستند، ممکن است با تحریم و محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران، تلاش کنند تا روابط ایران و چین را ضعیف نمایند. برخی معتقدند هرچند ایران و چین منافع مشترکی در راستای تامین امنیت ملی دارند، در نهایت روابط راهبردی آمریکا با چین حدود و ثغور همکاری های آنها را تعیین خواهد کرد لیکن رقابت میان چین و ایالات متحده برای ایجاد توازن مجدد قدرت و سیطره بر منطقه آسیا به سرعت در حال آشکار شدن است و این امر احتمالاً در سال‌های آتی تشدید خواهد شد. در آسیای مرکزی نیز ایران با ساخت یک سری خطوط لوله و راه آهن - مانند کریدور قزاقستان - ترکمنستان - ایران - سعی کرده خود را به عنوان خروجی آسیای مرکزی به خلیج فارس قرار دهد. با دستیابی به خلیج فارس، کشورهای آسیای مرکزی قادر خواهند بود بدون نیاز به عبور از روسیه، گاز طبیعی مایع را به اروپا و آسیا برسانند. ایران همچنین بهترین مسیر برای انتقال انرژی در منطقه است. در مقابل هم، ایران هزینه‌های ترانزیت را دریافت می‌کند، انرژی خود را کاهش می‌دهد و همچنین نفوذ و اهرم بیشتری در آسیای مرکزی به دست خواهد آورد. بنابراین تحقق سند ۲۵ ساله از حوزه های مختلف منجر به ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران در آسیای مرکزی می‌گردد. با در نظر گرفتن وجود منافع متقابل طرفین برای یکدیگر به عنوان پیش فرض نظریه وابستگی متقابل ازیکسو و وجود منافع متقابل دو کشور ایران و چین در زمینه انرژی، ترانزیت و امنیت در قالب قرارداد ۲۵ ساله می‌توان به شکل گیری روابط راهبردی بین ایران و چین در بلندمدت امیدوار بود. سه مزیت نسبی ایران شامل تامین انرژی پایدار، دسترسی امن ترانزیتی به آسیای میانه و شرق مدیترانه و ایجاد امنیت در جغرافیای اسلامی، توأمان، سه نیاز اصلی چین برای حفظ چرخه ثبات و رشد اقتصادی در دهه‌های آینده است؛ در مقابل، تامین زنجیره ارزش افزوده مشتقات انرژی، تکمیل زیرساخت‌های ترانزیتی و تسهیل دسترسی به منابع مالی مزایای چین برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود. چین می‌تواند بیش از گذشته در اوضاع نابسامان اقتصادی ایران در صورت رعایت توازن، برابری در سطوح همکاری و وابستگی متقابل، یک وزنه اثرگذار بهبودبخش باشد. بنابراین اصرار و تداوم پیگیری این سند برای ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

منابع

- انوری، حمیدرضا و رحمانی موحد، مرتضی، ۱۳۸۷، «سازمان همکاری شانگهای؛ چشم اندازی به سوی جهان چند قطبی»، وزارت امور خارجه
- بایراملو، بخشعلی، ۱۴۰۰، نگاه چینی به "برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله ایران و چین"، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران
- بزرگی، وحید، ۱۳۷۵، از وابستگی متقابل تا حکمرانی جهانی بنیادهای همکاری در سیاست جهانی، نشر قومس
- راه نجات، میترا و تقی پور جاوید، میترا (۱۴۰۰)، تأثیر رقابت چین و اتحادیه اروپا در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳۸
- سجادپور، محمدکاظم و شریعتی، شهرام (۱۳۹۰)، گزاره ایران در روابط آمریکا و چین، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک شفيعی، نوذر (۱۴۰۱) "تحلیل توافق نامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین" فصلنامه علمی پژوهشی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین المللی
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت مرکز بررسی‌های استراتژیک
- محمدی و صالحی (۱۴۰۱) «اقتصاد سیاسی راه ابریشم جدید چین و وابستگی متقابل ایران»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، دوره ۱۵، شماره ۲

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۵)، بررسی روابط دو جانبه ایران و چین، معاونت پژوهش‌های سیاسی-حقوقی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره ۱۴۸۲۵،

موسوی نیا، سید رضا، ۱۳۹۹، نقدی بر الگوی امتداد حال در آینده پژوهی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۵

نیاکویی، سیدامیر و پیرمحمدی، سعید، (۱۳۹۷)، سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال منازعات خاورمیانه پس از بهار عربی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱

وزارت امور خارجه (۱۳۹۹). «ویرایش نهایی برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین»، دبیرخانه ساز و کار عالی مشارکت جامع راهبردی ایران و چین، خردادماه

هلمان، سباستین، ۱۳۹۹، ((نظام سیاسی چین))، نشر ابزار معاصر تهران.

یاریان، افسانه (۱۴۰۱)، (جایگاه ایران در سیاست خارجی چین)، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل

- Alterman, Jon, B. (2019). written testimony for the House Foreign Affairs Subcommittee on the Middle East, North Africa, and international Terrorism, Hearing on Chinese and Russian Influence in the Middle East, May 9, 2019, 5.
- Bliddal, H., Sylvest, C., Wilson, P. (2013). Classics of International Relations: Essays in Criticism and Appreciation Taylor and Francis, Hoboken, available at: https://www.gvsu.edu/cms4/asset/54A33349-DDB5-9122-52-D0-393/_keo_hane_and_nyeessay13.pdf
- Ford L., & Hill, M., (2019). China's Evolving Ties with the Middle East. Asia Society, <https://asiasociety.org/asias-new-pivot/china>
- Fulton, J. (2020). U.S.-China Relations in 2020: Enduring Problems and Emerging Challenges. https://www.uscc.gov/sites/default/files/2020-09/Fulton_Testimony.pdf
- Foley, S. (2017). When oil is not enough: sino- saudi relations and vision 2030. *Asian Journal of Eastern and Islamic Studies*. 11
- Gill, S., & David, L. (1988). *The Global Economy: Perspectives, Problems and Policies*, Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf.
- Talebi Arani, R., & Others (2016). "The Role of Energy in the Development of International Relations between Iran and Turkey with Emphasis on Natural Gas", *National Research Monthly*, Vol. 1, No. 3, pp. 86-106 [in Persian].
- Tollison, R. D., & Willett, T.D. (1973). Some simple economics of voting. *Public Choice* 16
- Tarabay, Jamie, (2018). "CIA Official: China Wants to Replace US as World Superpower," CNN (21 July 2018),
- Keck, Z. (2013). Iran and China: Destinated to clash, available at: <https://www.boulevard-exterieur.com/Iran-and-China-Destinated-to-clash.html>
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1973). Power and Interdependence. *Survival*, 15, 158-165.
- Waltz, Kenneth (1979). *Theory of International Politics*, New York: Random House.
- Xinhua, (2019). China, Saudi Arabia Agree to Expand Cooperation. <http://www.xinhuanet.com/english>